

تأمین اجتماعی برای قرن بیست و یکم

قسمت اول

اجتماعی ایجاد شده این اصل است که این منشاء در یک بافت اقتصادی - اجتماعی شکل می‌گیرد که یکباره آنرا به‌طور روزافزونی برای سرمایه‌گذاری لازم، و به‌طور فزاینده‌ای دشوار جلوه می‌دهد. این تضاد عمده، مشکلات و مسائل بسیاری را ایجاد می‌کند که در اینجا تنها برای پاسخ به سؤالات ذیل به‌طور خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرند: آیا تأمین اجتماعی مسئول مشکلات اقتصادی است یا قربانی آنهاست؟ و ما از اینجا به کجا می‌رویم؟

آیا تأمین اجتماعی مسئول مشکلات اقتصادی است یا خود قربانی آنهاست؟

در سرتاسر جهان این مسئله آشکار و بدیهی است که در کشورهایی که تأمین اجتماعی بسیار پیشرفته است، عملکرد اقتصادی به‌طور بدی عرضه نمی‌گردد و کشورهای آنجا تأمین اجتماعی در مراحل بسیار ابتدایی خود به سر می‌برد نیز بهترین عملکرد را ارائه نمی‌دهند.

با این حال در دنیایی که با مشکل روزافزون بیکاری روبرو است و باید روز به روز بیشتر با تقاضاهای رقابت بین‌المللی دست و پنجه نرم کند، تأمین اجتماعی اغلب به‌عنوان یک بار سنگین تلقی می‌گردد: سهم حق بیمه کارفرمایان، آنطور که ادعا می‌شود تأثیر منفی بر اشتغال دارد، در حالیکه مزایای تأمین اجتماعی، نیروی اقتصادی را تضعیف می‌نماید. پس از توضیح و بحث در مورد این استدلالها،

غیرمسئولانه و وابسته افزایش می‌بخشند. چنین انتقادهایی یک حقیقت را نادیده می‌گیرد که اغلب نیز آگاهانه یا به‌طور دیگری به غلط تعبیر می‌گردد، اما یادآور این امر است که تأمین اجتماعی شامل مؤسساتی برای اندوختن ثروت نیست. بلکه یک سری مکانیزمهایی برای توزیع مجدد درآمد از انسان سالم به بیمار، از افراد شاغل به بازنشسته و غیره است. بر خلاف ادعاهایی که اذعان گشته، تأمین اجتماعی هیچ درصدی از محصول ناخالص داخلی را به خود جذب نمی‌کند: مبالغی که به‌عنوان مالیات یا حق بیمه وصول می‌گردد، به‌عنوان مزایای تأمین اجتماعی در اقتصاد و به‌طور غیرمستقیم به‌عنوان هزینه اداره مؤسساتی که این مبالغ را کنترل می‌کنند، به پول در گردش بازگردانده می‌شود.

تنها مسئله واقعی این است که هیچ رابطه بی‌واسطه یا مستقیمی بین آنچه فرد می‌پردازد و آنچه که دریافت می‌دارد وجود ندارد. با این حال، این بازتاب همان هدف تأمین اجتماعی است که از مکانیزمهایی که مسئله بیکاری را مسلم و حتمی می‌کند بهره‌می‌گیرد. بیشتر افرادی که تحت پوشش تأمین اجتماعی هستند، بیش از آنچه که در برخی مراحل زندگی دریافت می‌کنند می‌پردازند و بیش از مقداری که دیگر مراحل می‌پردازد، وصول می‌کنند، به‌خصوص در زمان بازنشستگی یا بیکاری، یا زمانی که دچار بیماری وخیم و جدی می‌گردند.

منشاء اصلی مشکلاتی که توسط تأمین

برخی ادعا می‌کنند که نظامهای تأمین اجتماعی به دلیل هزینه حق بیمه و قوه روبرو به ضعف اقتصادی، به خاطر تأثیرات بدون انگیزه آنها بر کار و سطوح پس‌انداز، موجب تضعیف مسئله رقابت‌طلبی و اشتغال می‌گردند. اما در عین حال، این نظامها به منظور برآوردن نیازهای جدید اجتماعی ناشی از بی‌ثباتی خانواده و تغییرات روندهای بازار کار - یعنی بیکاری روزافزون و کاهش امنیت شغلی، تفاوت دستمزد که بسیار نیز شایع است و کاهش رتبه صاحبان مشاغل آزاد - که مقارن با جهانی شدن بازارهاست - به کار گرفته می‌شوند.

از آنجا که دیگر، مشاغل با ثبات و تمام وقت برای همه افراد حتمی و مسلم نیست، مقاله ذیل نیاز به توزیع مجدد بهتری را (بسدون تغییر دادن در پوشش تأمین اجتماعی) در جهت دستیابی به تعادل بین بیکاری شغلی و ملی که دومین مورد را ترجیح می‌دهد به‌عنوان اصل در نظر می‌گیرد.

نظامهای تأمین اجتماعی در سرتاسر جهان با مشکلات مالی بسیار مهم که موجب انتقادهای فراوان و روزافزونی شده مواجه گشته است. این نظامها به‌ویژه مهم به صدمه زدن به رقابت‌طلبی شرکتها و در نتیجه کمک به تشدید مسأله بیکاری می‌گردند. همچنین ادعا می‌شود که این نظامها به دلیل تأثیرات بدون انگیزه بر کار و پس‌انداز، نیروی اقتصاد را تضعیف می‌نمایند و به سوءاستفاده‌ها، اعمال

کمی تنها بر یک مؤلفه از هزینه‌های منابع انسانی توجه دارند، مورد مطرح و بررسی می‌باشند. این مقایسات بدون توجه به قطع

دستمزدها و حق بیمه تأمین اجتماعی یک کل تشکیل می‌دهد و بدین لحاظ باید مورد بررسی و مقایسه قرار گیرند.

تأثیرات کاهش حق بیمه

تجزیه و تحلیل اثرات قابل پیش‌بینی کاهش سهام حق بیمه تأمین اجتماعی بر حسب پیامدهای اشتغال حاکی از بی‌ثباتی‌های عمده و برخی عضدهاست. چهار نوع ارتباط در این امر دخیل است. جایگزینی: جایگزینی وقتی واقع می‌شود که کار ازرانتر شود. مؤسسات به جای کارگران از ماشینها استفاده کنند، یا حداقل میزانی را که به جای ماشین از کارگران استفاده می‌کنند، کند نمایند. اما در نظامهای اقتصادی که به‌طور روزافزونی به روی تجارت بین‌الملل باز هستند، این عقیده که با سرمایه‌گذاری تدریجی و مدرن‌سازی مؤسسات تجاری اشتغال تأکید شود. اگر ماشین‌آلات تولید بیشتر را با کارکنان هر چه کمتر امکان‌پذیر سازد، آیا این امر احتمالاً منجر به کاهش زمان کاری به جای کاهش بیکاری نمی‌گردد؟

رقابت طلبی: کاهش در هزینه‌های کار منجر به قیمت‌های پائین محصولات یا افزایش منافعی می‌شود که مؤسسات را قادر می‌سازد تا توانایی خود را برای تأمین مالی فعالیت‌های خود و توسعه خود، گسترش دهند. تأکید هر دو مورد بر قابلیت تولید و افزایش فروش و تولید است. به‌طور خلاصه می‌توان خاطر نشان کرد که هدف از توسعه، در تضاد با محرک مطلوب به مشاغل است که برخی طرفداران کاهش هزینه‌های کار در جستجوی آنند. مشاهدات نیز حاکی از آن است که مؤسسات تجاری قادرند به خوبی و به‌طور یکسان از کاهش هزینه‌های اجتماعی و مالی خود در جهت توزیع منافع بیشتر یا سرمایه‌گذاری‌های

بالاتر از دستمزد در فرانسه و اسپانیا است و مالیات در آنجا - به‌خصوص مالیات بر درآمد افراد - خیلی بیشتر است.

در دومین قیاس می‌توانیم کشور هلند را با فنلاند و سوئد مقایسه کنیم: سطح پائین سهام حق بیمه کارفرمایان در هلند به علت این اصل است که بخش اعظم سهام حق بیمه را کارکنان می‌پردازند. با این حال، دستمزد ناخالص کشور هلند از دستمزد ناخالص در فنلاند و سوئد بیشتر است، کشورهایی که در آنها کارفرمایان بر عکس هلند قسمت عمده سهام حق بیمه تأمین اجتماعی را می‌پردازند و از آنجا که هزینه زیاد سهام این کشورها با دستمزدهای فوق‌العاده کم قابل جبران است، از این رو در قیاس با کارفرمایان در هلند در وضع نامساعدی بسر نمی‌برند. بنابراین، مقایسه‌های بین‌المللی حق بیمه همان‌گونه



مقاله این نتیجه را در بر خواهد داشت که تغییر اقتصادی نیاز به تأمین اجتماعی را افزایش می‌دهد.

آیا سهام حق بیمه کارفرمایان، مشاء بیکاری است؟

عملاً از زمان آغاز تأمین اجتماعی، سهم حق بیمه کارفرمایان به‌عنوان امری که شدیداً بر هزینه‌های کار سنگینی می‌کند و موجب بیکاری می‌گردد اطلاق می‌شود. چنین انتقادی به‌طور فزاینده‌ای با افزایش بیکاری و سرعت روزافزون رقابت بین‌المللی آشکار و مشخص گشته است. بدون وارد شدن به جزئیات استدلال‌های بحث، صرفاً به پیوندهای بین حق بیمه تأمین اجتماعی و هزینه‌های منابع انسانی و به تأثیرات کاهش این حق بیمه اشاره‌ای خواهیم داشت.

سهم حق بیمه کارفرمایان و هزینه‌های منابع انسانی.

قیاس‌های بین‌المللی آشکارا نشان می‌دهد که کشورهایی که در آنها سهم حق بیمه کارفرمایان بیشتر است، دارای هزینه‌های منابع انسانی بالاتری می‌باشند.

اگر کشورهایی را با سطوح عمدتاً قابل مقایسه پیشرفت اقتصادی در نظر بگیریم، برای مثال کشورهای اروپای غربی، مشاهده می‌کنیم که در آن کشورهایی که سهام حق بیمه مؤسسه به‌طور خاصی بالاست، حقوقها به نسبت پائین است. در این مورد، دو مقایسه بالخصوص قابل ملاحظه است.

اولین قیاس بین فرانسه و اسپانیا از یک طرف و دانمارک از طرف دیگر است: در حالی که این مؤسسات در دانمارک تنها سطوح خیلی پائین حق بیمه را می‌پردازند، بر عکس دستمزدها به‌طور چشمگیری

● نظامهای تأمین اجتماعی در سرتاسر جهان با مشکلات مالی بسیار مهم که موجب انتقادهای فراوان و روزافزونی شده مواجه گشته است. این نظامها به ویژه متهم به صدمه زدن به رقابت طلبی شرکتها و در نتیجه کمک به تشدید مسأله بیکاری می گردند.

مالی یا انجام کار و کسب های نامطمئن نهایت استفاده را نمایند. افزایش قابلیت تولید لزوماً به معنای کاهش هزینه ها و قیمت ها نیست: این امر به کیفیت مدیریت مؤسسه و متغیرهای غیر قیمتی مختلف که از جمله عواملی مانند کیفیت و اعتبار محصولات، بهبود شبکه های بازاریابی و خدمات پس از فروش و رعایت و کم کردن زمان تحویل می باشند. اما بالاتر از همه این عوامل، در نتیجه تقاضاهای رقابت بین المللی، تلاش همه جانبه برای رقابت طلبی عمدتاً امری لازم الاجرا گشته که اشتغال را در راهبردهای چانه زنی مؤسسات بدون توجه به انگیزه هایی که توسط معیارهای کاهش هزینه کاری ارائه شده مورد توجه قرار می دهد. اگر رقابت طلبی وسیله ای برای جلوگیری از رشد بیکاری است، همان گونه که اشاره به افزایش قابلیت تولیدی دارد که محصول را از وابستگی به منابع انسانی به تدریج آزاد می سازد، مطمئناً برای کاهش این مسئله به هر قیمتی نامناسب است.

انگیزه های استخدام: این انگیزه ها به طور عمده در ارتباط با هزینه کار غیر حرفه ای می باشند که این مورد، بیشتر تحت تأثیر بیکاری ناشی از رشد فنی و رقابت با کشورهای کم درآمد است. همچنین این هزینه اغلب در رابطه با قابلیت تولید چنین کارکنانی بیش از حد مورد توجه کارفرمایان است. از اینرو، اغلب از طریق کاهش سهام مربوط به تأمین اجتماعی توصیه به کاهش

این هزینه ها می گردد. کشورهای چون بلژیک و فرانسه نیز به اقداماتی از این نوع دست زده اند، اما کارآرایی این اقدامات در مقابل حمله بی امان ماشین آلانی که جایگزین نیروی انسانی می گردد محدود است.

تقاضا: اقداماتی در جهت کاهش هزینه های کار برای مسئله تقاضا پیامدهای مختلفی در بر دارد. برای مثال، کاهش حقوق و سهام حق بیمه کارفرمایان منجر به سقوط قدرت خرید خانواده ها و در نتیجه مصرف و فعالیت تجارت خانه ها می گردد. این رکود در مورد کاهش سهام حق بیمه کارفرمایان که با کاهش برخی مزایا (مقدار یا در طول مدت پرداخت آنها) قابل جبران است رکودی مستقیم و زمانی که کاهش هزینه ها منجر به انتقال هزینه های حق بیمه به خانواده می گردد (به صورت افزایش حق بیمه کارکنان یا حق بیمه افراد با مشاغل آزاد، یا افزایش مالیات بندی مستقیم یا غیر مستقیم) رکودی غیر مستقیم است.

ماورای تأثیرات بلافصل که شاید مثبت به نظر برسند، کاهش حق بیمه تأمین اجتماعی نشانگر واکنش زنجیری است که برخی عوامل آن، همدیگر را حذف می نمایند تا جایی که نتیجه خالص بر حسب مسئله اشتغال به برخی پارامترها و اندازه های نسبی آنان بستگی پیدا می کند یافته های مطالعات مختلف اقتصادی که تأثیرات انواع این اقدامات را ارزیابی می نماید تنها نشانگر اثرات جزئی بوده است.^(۱)

به علاوه، سطح بالای هزینه های منابع انسانی که ویژگی کشورهای پیشرفته است عنصر اساسی معیار زندگی مردم این کشورهاست و تأثیر این هزینه ها بر مسئله بیکاری باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت این امر به طور عمده از علت های دیگری منتج می گردد از جمله رشد جمعیت فعال (به دلیل افزایش اشتغال زنان، و تعداد گروه های سنی که وارد بازار کار می شوند در مقایسه با سن افرادی که بازنشسته می گردند)، مشکلی که گریبانگیر

کشورهایی با آهنگ کند رشد جمعیت است که به معیارهای بالای زندگی در حفظ میزان بالای رشد اقتصادی دست یافته اند، و تأثیر رشد فنی، که تولید بیشتر با کارکنان کمتر را بدون کاهش ساعتهای کاری به مقدار کافی برای مقابله کارآمد با علتهای تکنولوژیکی بیکاری امکان پذیر می سازد.

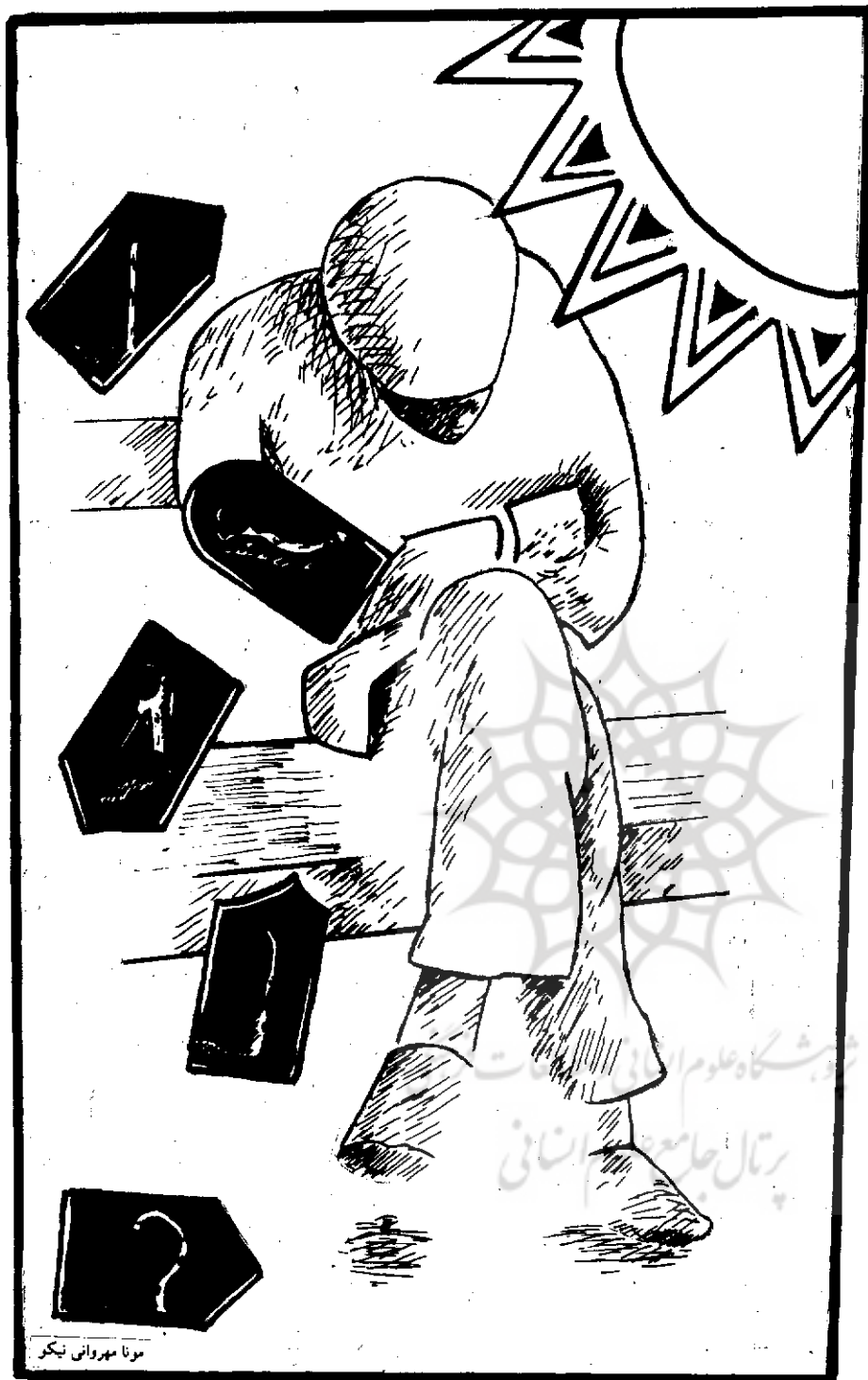
آیا تأمین اجتماعی قوه اقتصادی را از توان می اندازد؟

نظر به مشکلات اقتصادی که نظامهای تأمین اجتماعی در بیشتر کشورها با آنها مواجه اند، پیشنهادات اصلاح طلبانه جدید - کاهش مزایا و خصوصی سازی تأمین اجتماعی - از حمایت بیشتری برخوردار خواهد بود. با این حال، این استدلالها، که مزایای تأمین اجتماعی با کاهش انگیزه برای کار کردن و صرفه جویی و پس انداز نمودن از رشد اقتصادی می کاهد به سختی قابل اثبات است.^(۲)

راجع به انگیزه های کار کردن، این طور استدلال شده که تأثیر تأمین اجتماعی، کاهش بهای زمان بی موجب است در مقایسه با بهای زمان اجرت داده شده بر حسب سطح مالیات بندی و سهام حق بیمه که بر درآمد از کار و درآمد مزایا تأثیرگذار می باشد که افراد ذی نفع را بدون کار کردن موفق به دریافت درآمد می سازد.

آن طور که ادعا می شود مالیات کار و «سوسیدهایی که برای کار نکردن داده می شوند» افراد را بر می انگیزد تا اوقات کار خود را به صورت های گوناگون به اوقات فراغت تبدیل نمایند مثلاً بیکاری اختیاری، غیبت برای بیماری ساختگی یا جزئی، بازنشستگی زودرس از زندگی فعال.

با توجه به صرفه جویی و پس انداز، نظامهای حقوق بازنشستگی عموم مردم بر اساس اصل پرداخت مالیات پس از دستاورد درآمدند که مورد حمله و انتقاد اقتصاد دانان فئولیرال (دارای اندیشه های اصلاح طلبانه جدید) قرار گرفته اند. این نظامها، بازنشستگی پیری را که از کاهش



درآمد جمعیت فعال، تأمین سرمایه می نماید تضمین می کنند. از این رو افراد ذی نفع کمتر مجبورند که برای دوران پیری خود ذخیره های بیندوزند که اثرش تضعیف صرفه جویی و کاستن سرمایه و رشد اقتصادی است.

بدون تردید، این استدالات با حقیقت همراه است اما باید به دقت اصلاح شوند: مزیت بیکاری به ندرت نقش مهمی در افزایش چشمگیر بیکاری که در بیشتر کشورهای پیشرفته از اواسط دهه ۱۹۷۰ مشاهده شده، داشته است.

علتهای بیکاری که قبلاً ذکر شد دارای منشاءهای خیلی عظیم تر و مستقیم تر می باشند. تعداد افرادی که به طور طولی مدت بیکارند (بیش از ۱۲ ماه)

و در نتیجه از مزایای کمی برخوردارند، به طور چشمگیری افزایش یافته و دلیل اصلی افزایش فقر در تعداد کثیری از کشورها محسوب می گردد. به علاوه، در دورانی که سطح بیکاری بسیار بالاست مقرری هایی که به افراد بیکار پرداخت می شود کمک مفیدی در حفظ مصرف و فعالیت مؤسسه های تجاری است در نتیجه به جلوگیری از هرگونه انحطاط بیشتر در وضعیت اشتغال کمک می نماید.

با توجه به تأثیر بر صرفه جویی نظامهای بازنشستگی دوران پیری بر اساس اصل پرداخت مالیات پس از دستاورد درآمد، اکثر مطالعات تجربی در مورد این موضوع تنها به یافته هایی ناقص و ضد و نقیض دست یافته اند.^(۳)

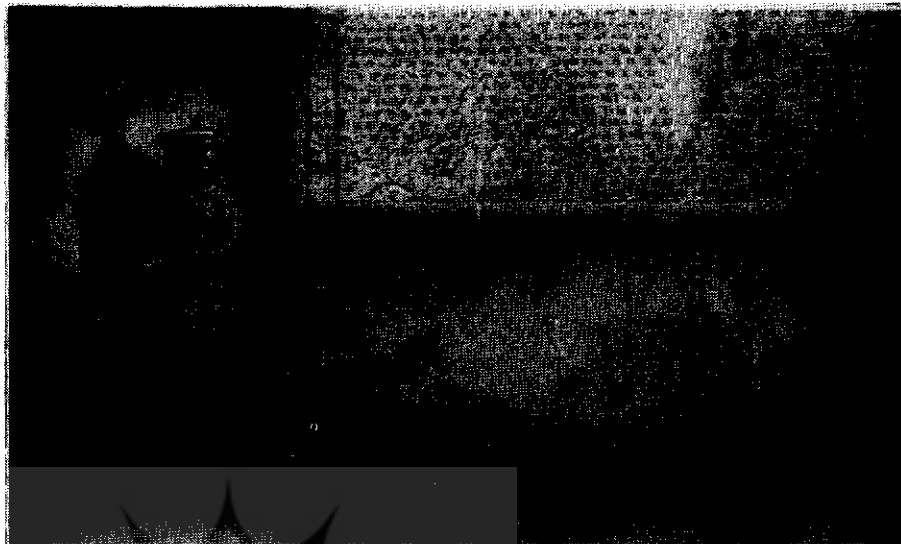
از این رو به نظر می رسد که تأثیر این اثر خیلی کم است. با این حال، حتی اگر این امر حقیقت داشت که طرحهای بازنشستگی پرداخت مالیات پس از سبک درآمد، پس اندازها را کاهش می دهد، برای توجه جایگزینی آنها با طرحهای مستمر خصوص به دلایل ذیل بسنده و کافی نبودند.

این طرحها مطمئن ترین شکل بازنشستگی است و در نتیجه مناسب ترین، برای ایفای نقش تأمین اجتماعی.^(۴)

● پس اندازهایی که قبلاً به وسیله صندوقهای انگلستان، آمریکا و ژاپن جمع آوری گشته، پیش بینی های مالی و جنبش های سرمایه بین المللی را با تمام خطراتی که این مسئله برای نرخ ارز، نرخ بهره و کنش بازار بورس به آن اشاره دارد وخیم تر می نماید.

● فعالیت اقتصادی در اکثر کشورها بیشتر از مصرف نامناسب صدمه می بیند تا از کمبود پس انداز، بهبود اعمال مصرف کننده عاملی است که به احتمال زیاد سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را برمی انگیزد.

افزایش نیاز به تأمین اجتماعی



این نظام، باید تلاشهایی در جهت انطباق بهتر آن با بافت اقتصادی و اجتماعی که در آن عمل می‌نماید صورت گیرد.

ما از این جا به کجا خواهیم رفت؟

در کشورهای بسیار پیشرفته، تأمین اجتماعی رابطه تنگاتنگی با زندگی افراد و خانواده‌ها دارد و عنصر بسیار قدرتمندی در حیات اقتصاد و اجتماع است به طوری که در بازتاب این مسئله آنها و پایانی نیست. از این رو به طور خلاصه به برخی جنبه‌های مهم اشاره می‌نمائیم.

جمعیت‌شناسی

استنباطی صحیح از علل میزان کاهش یافته زاد و ولد که پیامدهای مهمی برای تأمین مالی بازنشستگی پیری و راههای مختلف برای کنترل آن در بر داشته مورد نیاز است. (به خصوص برای سال ۲۰۱۰ - ۲۰۰۵ که نسل پرزایی پس از جنگ جهانی دوم به تدریج بازنشسته می‌گردد). این به معنای بازتاب روشهای زندگی در کشورهای صنعتی است، یعنی وضعیتی که این جوامع به کودکان و به ابزارهای ارتقای محیطی که مطلوب خانواده‌ها و بچه‌دار شدن است اعطاء می‌کنند. تشویق به بچه‌دار شدن وظیفه‌ای بسیار حساس و نیز دشوار برای تأثیر گذاشتن بر انگیزش‌ها، در زمینه‌هایی که مانند مسئله زاد و ولد اساسی هستند می‌باشد. این نگرش محض جامعه به کودکان است که باید متحول گردد. این امر به معنای تلاقی خط مشی در زمینه‌های گوناگون است، خط مشی خانواده، اعطای کودکانی به زنان با آزادی مطلق در انتخاب اینکه چگونه زندگی شغلی خود را تنظیم نمایند (برای مثال، تعطیل موقتی کار با کمک چشمگیر مالی، دستیابی به بازآموزی حرفه‌ای و فرصتی برای بازگشت به زندگی شغلی، یا ادامه کار با ساعات کاری که مجدداً تنظیم گشته و تسهیلات جمعی که از نظر تعداد و راحتی کافی است)؛

مانده‌اند مانند افرادی که با تعطیل کردن، تغییر دادن، یا تغییر مکان فعالیت مؤسسه بیکار شده‌اند، کشاورزانی که مزرعه‌هایشان دیگر قابل رقابت و با صرفه نیستند و کارکنانی که برای آنها تنها اشتغال نامطمئن و بدون امنیتی باقی مانده است (کارکنان نیمه وقت یا موقت و غیره).

از این رو، تأمین اجتماعی مکانیزی اساسی است که برندگان را قادر می‌سازد تا به ضررکنندگان (با حقوق بیکاری و اقدامات مساعدت اجتماعی) یاری دهند. تا وقتی که با بیکاری به طور کارآمد مقابله شود یا تجارت آزاد آن قدر ساماندهی گردد که کمتر رقابت بین‌المللی را بی‌رحمانه جلوه دهد، تأمین اجتماعی نقشی بنیادین در رسیدگی به آن تعداد که به دلیل جهانی شدن و رقابت بین‌المللی لطمه دیده‌اند ایفا خواهد کرد.

عواملی که تهدید به نامتعادل نمودن تأمین اعتبار تأمین اجتماعی می‌کنند و از این راه با در نظر گرفتن حقایقش آن را مورد انتقاد قرار می‌دهند، به احتمال زیاد به جلوه دادن تأثیرات مهم خود پس از سال ۲۰۰۰ ادامه خواهند داد.

به منظور حمایت از تأمین اجتماعی در مقابل کاهش بیشتر هزینه‌ها و حتی در برخی موارد در مقابل برچیدن

ابتدا، تأمین اجتماعی باید نیازهای پیری جمعیت را برآورده کند که پیامدهای چشمگیری نیز برای بازنشستگی پیری و هم برای تأمین درمان پزشکی و بی‌ثباتی ساختارهای خانواده (از آنجا که مشکلات فقر با جدایی زوج‌ها در ارتباط است) دارد. در عین حال، قربانی بیشتر از بیکاری نشأت می‌گیرد، همان‌طور که این علل منتج به از دست دادن دخل و افزایش هزینه‌های پرداخت مزایای بیکاری می‌گردد. گرچه بیش از همه باید اذعان داشت که تحول اقتصادی مربوط به پیشرفت فنی و جهانی شدن اقتصاد احتمالاً منجر به افزایش چشمگیر نیاز به تأمین اجتماعی می‌گردد. زندگی اقتصادی به طور روزافزونی با رقابت در حال فزون بین‌المللی که با مسئله جهانی شدن پیوند دارد و از تحولات سریع تکنولوژی که وابستگی تولید را به نیروی کار کمتر و کمتر می‌نماید مشخص می‌گردد.

روی هم رفته، هر دو پدیده احتمالاً سودمند به نظر می‌آیند اما به این دلیل که یک پیشرفت کلی در معیارهای زندگی را ترجیح می‌دهند، منجر به ناپایداری و محرومیت می‌گردند. در هر مورد در حالی که برندگان نیز وجود دارند (به ویژه مصرف‌کنندگان به طور کل) بازندگانی نیز هستند که از رقابت عقب

برنامه‌ریزی شهری و خط مشی مسکن (که دیگر جو شهری را تنها بر حسب بزرگسالان طراحی نمی‌کند بلکه نشانگر عمیق در مورد خدمات ساخته و پرداخته از ترافیک، کمبود فضای سبز و فضای بازی و غیره است). و سیاست اشتغال جوانان (بیکاری در بین جوانان اغلب زیاد است و بر میزان زاد و ولد تأثیر منفی دارد).

مراقبت و نگهداری از افراد مسن تحت تکفل

افزایش تعداد افراد مسن تحت تکفل یکی از چالش‌های مهمی است که نظام‌های تأمین اجتماعی مجبور به مواجهه با آن می‌باشند. همان‌گونه که می‌دانیم، از کل راه‌هایی که به وسیله آنها می‌توان از عهده چنین موقعیت‌هایی بر آمد، یاری خانواده و مدد خانوادگی به‌طور کل هم از لحاظ انسانی و مالی تا حد زیادی در تطابق با مؤسسات درمانی و دیگر مؤسسه‌ها مرجح‌تر است. این امر خصوصاً به معنای آن است که اعضای خانواده‌ای که یکدیگر را یاری می‌دهند نه تنها به‌وسیله خدمات مشاوره‌ای و مدد خانوادگی بلکه با ارائه احتمال درمان کمکی یا استراحت برای زمانهای مختلف (تعطیلات یک روزه، آخر هفته، یک هفته‌ای یا یک ماهه) که توسط خدمات مراقبت خانگی، مراکز مراقبت روزانه یا تشکیلات مدد کاری موقتی فراهم می‌گردد، باید مورد حمایت و یاری قرار گیرند.

به منظور ترغیب به حفظ حمایت خانواده باید صورتهای مختلفی از مزایا و کمک مالی ارائه گردد یا بسط و گسترش یابند. این انواع، شامل مقرری‌هایی در ازای کار انجام شده، غرامت مالی برای کاهش یا وقفه در کار و پوشش تأمین اجتماعی برای مراقبت کنندگان است. وظیفه فعلی مراقبت از افراد مسن تحت تکفل در خانه مستلزم ایجاد یا بسط خدمات درمان خانگی و

اجتماعی است: بیمار داری در خانه، کمک در خانه‌داری، خدمات مدد خانوادگی، تحویل مواد غذایی، خدمات همراهی افراد پیر تحت تکفل در گردشهای بیرون از خانه، دیدارهای ساده به منظور مصاحبت و مجالست و غیره.

تأمین بودجه تأمین اجتماعی

در اکثر کشورها، مسلم بودن این امر که روشهای تأمین اجتماعی سرمایه با شرایط ماهیتی و مناسب مزایای مختلف تأمین اجتماعی بهتر سازگار است، لازم و ضروری است. از این رو، تنها سرمایه، بودجه مجموعه‌ای از مزایایی است که قصد جبران از دست دادن درآمد مؤقت یا دائم از کار را دارند (مقرری‌های روزانه بیمه بیماری، حقوق بازنشستگی پیری، سود بیکاری که به کارکنانی که شغل خود را از دست داده‌اند پرداخت می‌گردد). و به‌وسیله سهام حق بیمه تأمین می‌شود. بر عکس، مزایایی که هیچ‌گونه رابطه‌ای با ضمانت‌های درآمدی ندارند (درمان پزشکی، مزایای خانواده، مزایای بیکاری پرداختی به جوانانی که برای اولین بار در جستجوی کارند) بیشتر با طرحهای اتحاد ملی و مالی عمومی متناسبند.

سازگاری با نیازهای اجتماعی مربوط به ناپایداری خانواده

این مشکل مسئله‌ای طولانی مدت است - به‌خصوص در کشورهای صنعتی - و هر راه‌حلی باید متضمن فردیت برخی از حقوق تأمین اجتماعی باشد. نظام حقوق اشتقاقی که بیمه‌گزاران را قادر می‌سازد تا افراد تحت تکفل خود را در مقابل بیماری و مرگ تحت پوشش قرار دهند، دیگر نظام مناسبی محسوب نمی‌گردد، در ضمن بسیار پیچیده و ناقص است به‌خصوص در مورد حقوق بازنشستگی بازماندگان یا وقتی که فرد تحت تکفل مجدداً ازدواج می‌کند و به‌طور اخص اگر ازدواج‌های پیاپی و هم‌خانه شدنهای مجدد صورت گیرد، در زمینه مراقبت بهداشتی / درمانی، نظام حقوق فردی اشخاص که اداره آن بسیار آسانتر است و نه تنها بر اساس درآمد کار است بلکه بر پایه یکپارچگی در سطح ملی است - باید تعمیم گردد، در اکثر کشورهای صنعتی برخی اقدامات در جهت حفظ حق همسران بیکار - به داشتن بیمه درمانی در جریان طلاق یا جدائی و فراهم آوردن چنین حقی برای زوج‌هایی که بدون ازدواج با هم زندگی می‌کنند، صورت گرفته است. اما برای حق مراقبت درمانی، یک حق

- سرمایه حقوق بازنشستگی با نرخ یکسان به‌طور منطقی از مالیاتها (مانند دانمارک) یا با کاهش کلیه صورتهای درآمدی (مانند سهام عمومی حق بیمه تأمین اجتماعی در فرانسه) تأمین می‌گردد.

همگانی در تعداد کثیری از کشورها پیشرفت غیر قابل انکاری خواهد بود. در دوران رفاه که به‌طور روزافزونی با ناپایداری خانواده و ناامنی مادی مشخص و آشکار می‌گردد، چنین حقی باید با فرد منطبق و باید از هزینه برای افرادی که زیر آستانه فقر زندگی می‌کنند رها باشد.

نظر به انتقاداتی که به تأمین اجتماعی و مشکلات مالی که با آن روبرو است، شده است، این کار نیز ثمربخش خواهد بود که برنامه‌های اطلاعاتی در جهت تبلیغ مزایای تأمین اجتماعی در مقایسه با طرحهای دشوار و بدون کمک دیگران یا طرحهای بیمه خصوصی به اجرا درآیند.

ساماندهی طرحهای بازنشستگی پیری در سه محور نیز - اولین، محور همگانی و نرخ یکنواخت (تابع محل سکونت)، دومین، محور اجباری مربوط به گنجایش و انضباط اشتغال و سومین، محور خصوصی اختیاری - مطلوب است. حقوقی که توسط اولین محور پرداخت می‌گردد با حقهایی که افراد و همسرانشان تحت دو محور دیگر کسب کرده‌اند (مستلزم مکانیزمی برای سهم شدن در این حقوق طبق دوامین محور) تلفیق می‌گردند. این حقوق برای اشخاص بیوه و بدون درآمد که بالای ۵۵ سال سن دارند (در بیشتر موارد این افراد را زنان تشکیل می‌دهند) قابل دسترس است.

این حقوق جایگزین برنامه‌هایی می‌شود که چنین خطراتی را در زمان زندگی فعال تحت پوشش قرار می‌دهند (حقوق بازنشستگی بازاماندگان، مساعدت اجتماعی و حداقل مزد تضمینی). چنین بازاماندگان را ساده می‌نماید و از فشار روی این طرح‌ها می‌کاهد. اولین محور در این مورد حداقل مزد را به زوج‌های مسن‌تر که طی دوران فعال زندگی خود کار نکرده‌اند یا به قدر کفایت کار نکرده‌اند پیشنهاد می‌کند. افراد فعالی که مایلند کمتر کار کنند یا چندین ماه از کار کناره می‌گیرند یا بر کار بی‌موجب تاکید دارند می‌توانند با اطمینان از حداقل درآمد معیشت در دوران پیری خود بدون تکیه به دارایی خود یا فرزندانشان دست به این اعمال بزنند. از این رو، آنها بیشتر مایل به ایجاد فضای بیشتری برای افراد بی‌کار هستند. همه افراد بهره می‌برند: افراد فعال، زیرا که می‌توانند کمتر کار کنند و توجه خود را به خانواده، و به فعالیتهای اجتماعی یا فرهنگی معطوف دارند، افراد بی‌کار، زیرا ورود به بازار کار برای آنها آسانتر خواهد بود. سرمایه حقوق بازنشستگی با نرخ یکسان به‌طور منطقی از مالیاتها (مانند دانه‌مارک) یا با کاهش کلیه صورتهای درآمدی (مانند سهام عمومی حق بیمه تأمین اجتماعی در فرانسه) تأمین

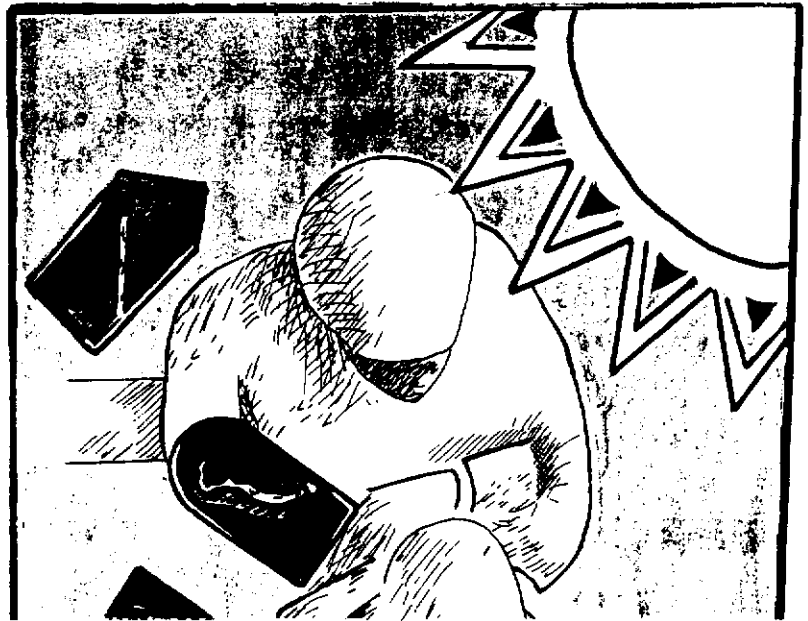
می‌گردد. این امر منجر به کاهش یا حداقل میزان افزایش کند سهام حق بیمه تأمین اجتماعی می‌گردد که به طرحهای بازنشستگی عمومی قابل پرداخت است.

انطباق حمایت اجتماعی با نمای جدید بازار کار

در این باب پیشنهادات مختلفی باید مورد توجه قرار گیرد. این پیشنهادات به‌طور عمده سه جنبه اصلی را در نظر دارند: امنیت زندگی برای کنار آمدن با محرومیت اجتماعی که با بیکاری در حال رشد، اشتغال ناپایدار که روز به روز در حال افزایش است و نابرابری اجتماعی بیشتر در ارتباط است؛ حمایت از افراد دارای مشاغل آزاد که موقعیتشان با رشد ناپایداری بستن قراردادهای دست دوم و پولی و دخیل بودن تأمین اجتماعی در ارتقای اشتغال و تقسیم شغل آسیب‌پذیرتر گشته است. ارائه یا اصلاح حداقل مزد تضمینی ضروری به نظر می‌رسد. در حالی که مساعدت مادی باید برای افراد فقیر تأمین گردد، در عین حال نباید به دام این چنین مساعدتی بیفتند و باید از گسترش تعدد مشاغل جلوگیری شود. آیا پاداش و کمک مزیای باید برای فردی ذی‌نفعی که می‌کوشد تا کاری بیابد یا در عوض آن کاری انجام دهد شرطی گردد؟ آیا درآمد پایه بلاشروط ارجح‌تر است (به‌صورت مقرری همگانی)؟ شواهدی در فرانسه با حداقل درآمد شغلی (RMI)، پیشرفتی که مساعدت مادی را با قراردادی برای کاری که تازه آغاز شده تلفیق نمود نشان داد که در کمک به مردم برای اشتغال چندان موفق نشان نداد، همان‌طور که مشاغل بالقوه نیز به قدر کافی وجود ندارند. این مسئله منجر به ارائه قراردادهای بلاشروط و پرداخت مقرری‌ها برای مدتی نامعین گشت و به اجرا درآوردن آن دست و پاگیر و گران تمام می‌شد. با توجه به درآمد پایه - به‌عنوان حق بلاشرطی که به افراد در طول مدت زندگیشان به نشانه مشارکت آنها در میراث تقسیم شده مشترکی پرداخت

● **مبالغی که به‌عنوان مالیات یا حق بیمه وصول می‌گردد، به‌عنوان مزیای تأمین اجتماعی در اقتصاد و به‌طور غسیر مستقیم به‌عنوان هزینه اداره مؤسساتی که این مبالغ را کنترل می‌کنند، به پول در گردش بازگردانده می‌شود.**

می‌شود - این امر چشم‌اندازهای جالب توجه نوع دیگر توزیع درآمد و اشتغال را ارائه می‌دهد. به‌ویژه، به نظر می‌آید که این امر شیوه جالبی است برای کاهش بیکاری، قادر ساختن کارکنان برای کار کردن در ساعاتی که خود بر می‌گزینند و فعالیتهای در حال توسعه که باعث ایجاد پیوندهای اجتماعی می‌گردد (مدد خانوادگی برای افراد مسن، ملاقات بیمار در بیمارستان، کمک به اشتغال افرادی که از نظر اجتماعی محرومند، حمایت از دانش‌آموزانی که دچار مشکل می‌باشند، بچه‌داری، حفظ محیط و غیره) با اعطای این حق انتخاب به افراد که کار کنند یا نکنند یا معمولاً چگونه باید کار کنند، درآمد پایه به‌طور کار آمد عرضه کار را کاهش داده و این امکان را فراهم می‌آورد که نیازهای کارفرمایان و کارکنان در مورد تغییرپذیری اشتغال برآورده شود. با ارائه حداقل سطح امنیت مادی، افراد بیکار تشویق می‌شوند که روی پای خود بایستند و از این رو با قابلیت تولید پایی باعث ایجاد برخی انواع سودمند و ثمربخش کار می‌گردند به‌ویژه انواعی که از نظر اجتماعی مفیدند. بنابراین، این مسئله منجر به ایجاد مشاغل بیشتر، توزیع بهتر مشاغل و درآمدها و پیشرفت روزافزون فعالیتهای به نفع عموم می‌گردد. اما تعدادی از مشکلاتی که توسط مخالفان این پیشنهاد مهم و برجسته جلوه



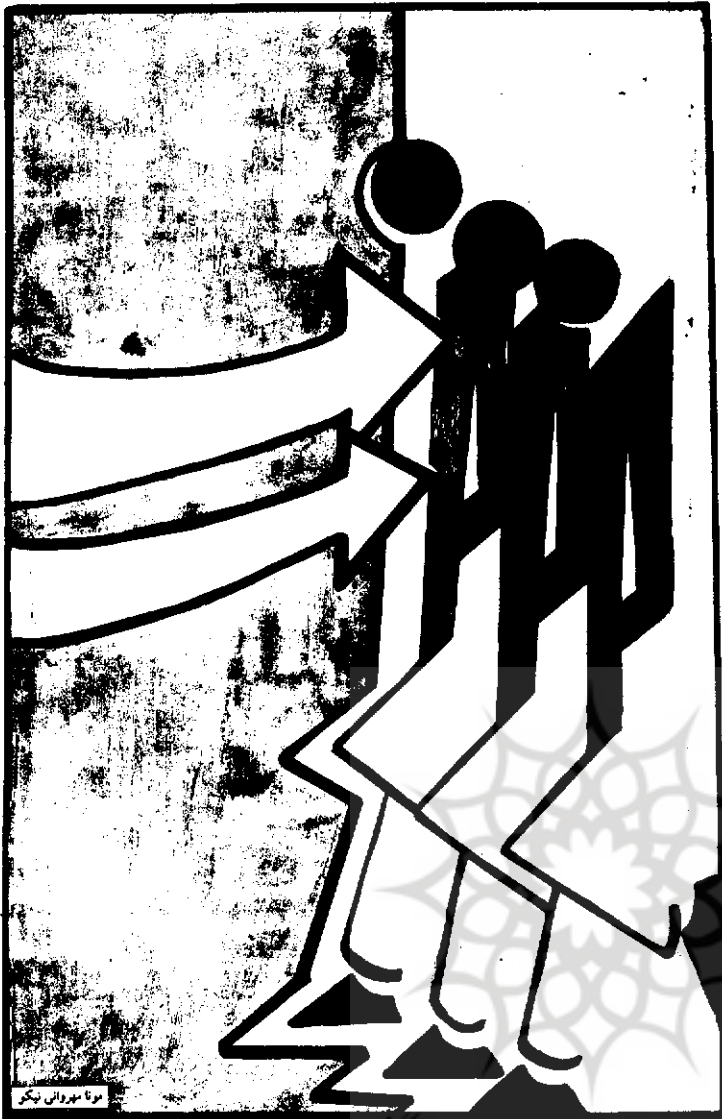
آنها با آخرین خبرهای روز و تحول بازارها یا بهره‌گیری از ضمانتهای ارائه شده به وسیله محصولات اشتقاقی در ارتباط با بی‌ثباتی سیستم پولی، مانع آنهاست. در عوض موجب بگیران در برخی از صنایع که از نظر تاریخی و سمبولیک بسیار مهمند دارای اضافه پرداخت یا بیمه بیشتری می‌باشند. اگر راهی برای بیکاری انبوه یافت شود، اگر ابتکارهای خصوصی به فعالیت افتند و اگر افراد بیکار روی پای خود بایستند، وضعیت افراد دارای مشاغل آزاد گیراتر و جذاب‌تر خواهد گشت. اعطای حق برخورداری از مزیت بیکاری به آنها یا راه‌اندازی طرح ویژه مزیت بیکاری برای این افراد، راه حل خوبی خواهد بود. این مزیت، مقرری با نرخ یکنواخت محسوب می‌گردد و برای مدت زمانی محدود (از ۶ ماه تا ۱ سال) قابل پرداخت است، یعنی زمان لازم برای تجدید سازمان یا شروع خط کاری دیگری برای تاجری که با مشکلاتی مواجه است. همان‌طور که سهام حق بیمه باید برای تأمین سرمایه خود برای اجتناب از اجحاف در حق تاجران فعال پرداخت گردد، این مسئله نیز احتمالاً تابع سطحی در حد بالا در جهت پرهیز از سوء استفاده است.

مشمول تصادفات اشتغال است که پوشش تأمین اجتماعی در اصل برای حقوق بگیران در نظر گرفته، اما متعاقباً به‌عنوان راهی برای افراد دارای مشاغل آزاد نیز قابل دسترس بوده است. این افراد در موقعیتی قرار دارند که روزبه روز بر ناامنی آن افزوده می‌شود. آنها به‌طور روزافزونی به پیمانکاران فرعی (برای مثال متصدیان ترابری، کارکنان صنایع دستی، و کارکنانی که در خانه با رایانه کار می‌کنند) متکی می‌گردند و به دلیل نوسانات غیرقابل کنترل نرخ ارز دچار آسیب و زیان می‌شوند. مقیاس کوچکی از موسسات تجاری، در بیشتر موارد در تطبیق

داده شده نیز باید اذعان گردند. خطری که تأثیر پیش‌بینی شده بر بازار کار آن را تحقق نمی‌بخشد زیرا مزیت آن بسیار کم است؛ خطری که در جامعه آشکار می‌گردد و اگر در عوض مزیت آن کافی و مناسب باشد، به غیر محرک اصلی در امر کار کردن تبدیل می‌شود؛ خطری که جامعه آن را به دو گروه دسته‌بندی می‌کند، با افراد ذی‌نفع طرح که به احتمال زیاد فعالیت‌های ارزشی و احساسی را کاهش داده یا کاملاً خانه‌نشین می‌گردند، و خطری که نوسازی و پیشرفت اقتصادی از سرعت آن می‌کاهد. به این دلیل از نظر سیاسی و مالی این امر در انتخاب یک راه‌حل بینابین بیشتر واقع‌بینانه و معقول به نظر می‌رسد، یعنی سطح درآمد پایه بدون هیچ سابقه کاری که به‌طور خودکار به افرادی که درآمدشان کمتر از نصف حداقل مزد قانونی یا معمول است و در زمان کسب درآمد دیگر به این علت که محرک برای کار کردن حفظ شود پس گرفته نمی‌شود (مگر آن که این مورد اخیر مشمول مالیات باشد) اختصاص می‌یابد. این راه‌حل بر اساس این تصور بنا شده که حقوق تأمین اجتماعی که قبلاً مورد بحث و بررسی قرار گرفته به صورت همگانی و عمومی درآمده است.

گسترش پوشش تأمین اجتماعی برای افراد دارای مشاغل آزاد نیز یک الویت است. طرحهای عمومی مزیت بیکاری به‌طور کل فقط حقوق بگیران را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. همچنین این امر





همانند این امر، گسترش و بسط پوشش منظم افراد دارای مشاغل آزاد در مقابل تصادفات اشتغال و بیماری ناشی از شغل به جهت یکسان نمودن وضعیت آنها با وضعیت مواجب بگیران نیز امری ضروری است.

ارتقای اشتغال و انگیزه‌هایی برای تقسیم مشاغل در حال حاضر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است طرح‌های تأمین اجتماعی تاکنون در توسعه یا حفاظت از اشتغال با اعطای معافیت از مالیات یا کاهش سهام حق بیمه تأمین اجتماعی در ارتباط با برنامه‌های آموزشی و جایگزینی حرفه‌ای برای کارکنانی که در شرایط دشواری به سر می‌برند (افراد بیکار، افرادی که مقرری تضمینی حداقل درآمد را دریافت می‌کنند، افرادی که برای بار اول در جستجوی کارند) دخیل بوده است. این نقش تأمین اجتماعی باید حفظ گردد یا در تعدادی از کشورها به ویژه در کشورهایی که میزان بیکاری بالاست گسترش یابد. همچنین تأمین اجتماعی می‌تواند با تحمیل مالیات در جهت جایگزینی حداقل بخشی از سهام حق بیمه تأمین اجتماعی کارفرمایان برای تأمین بودجه مزایای یکپارچگی ملی این نقش را ایفا کند، راه حلی که هزینه‌های کار را کاهش می‌دهد، رقابت‌طلبی مؤسسات تجاری را بهبود می‌بخشد و آن را حفظ می‌نماید و تأثیر مثبتی بر اشتغال دارد. با این حال، نباید نقشی را که امنیت اجتماعی در تقسیم مشاغل و توسعه تدارکاتی ایفا می‌کند که به موجب آن کارکنان می‌توانند با انتخاب خود کار کنند نادیده گرفت.

در جهت حفاظت مشاغل موجود و ایجاد

● افزایش تعداد افراد مسن تحت تکفل یکی از چالش‌های مهمی است که نظام‌های تأمین اجتماعی مجبور به مواجهه با آن می‌باشند.

● منشاء اصلی مشکلاتی که توسط تأمین اجتماعی ایجاد شده این اصل است که این منشاء در یک بافت اقتصادی - اجتماعی شکل می‌گیرد که یکباره آنرا به‌طور روزافزونی برای سرمایه‌گذاری لازم، و به‌طور فزاینده‌ای دشوار جلوه می‌دهد.

مشاغل جدید، امنیت اجتماعی را نمی‌توان از پیشرفت‌های لازم در زمینه تقسیم مشاغل حذف نمود. برای کاهش ساعات عادی کار، وجود محرکهایی برای مؤسسات تجاری ضروری است، حتی اگر این کار به معنای تنظیم مجدد زمان کاری و دوران عدم فعالیت برای ایمن‌سازی منافع جبرانی در قابلیت تولید باشد. زیرا این عملکرد احتمالاً بر حسب هزینه‌های درمانی / بهداشتی - برای برخی افراد که اضافه‌کاری می‌کنند در حالیکه دیگران بیکارند یا به‌طور موقت به دلیل ترس از ازدست دادن حقوق تأمین اجتماعی یا عدم بازگشت به شغل خود هرگاه که مایل باشند از کناره‌گیری از کار منع می‌گردند، معمول نمی‌باشد. برخی اقدامات که روز به روز بیشتر در فرانسه، آلمان، بلژیک مورد بحث قرار می‌گیرند، تا حد زیادی مطلوب و لازم است.

تغییرپذیری سهام حق بیمه تأمین اجتماعی بر طبق ساعاتی که فرد کار کرده (طرحی از طرف نخست‌وزیر سابق فرانسه میشل روکارد ب پارلمان اروپا)، کاهش حداقل ساعاتی که فرد باید برای واجد شرایط بودن برای این حقوق با هدف بهبود امنیت اشتغال موقت کار کند، ضمانت‌های بیشتر برای کار متناوب، و افزایش نرخ حق بیمه تأمین اجتماعی که برای اضافه‌کاری پرداخت می‌گردد آن هم به‌عنوان ضد محرکی برای کارفرمایان و ترغیب ایجاد شغل. چنین اقداماتی به‌طور عمده خود بوجه خود را تأمین می‌نمایند. اعطای کار به تعداد کثیری از افراد بیکار موجب می‌گردد که هزینه مزیت بیکاری کاهش یافته و درآمدها برای طرحهای امنیت اجتماعی افزایش بیابد. در برخی موارد می‌توان از بخشی از مقادیری که تاکنون به کاهش هزینه‌های کاری اختصاص داده شده در جهت تدغیب استخدام کارکنان با مهارت کم بهره گرفت.

این پیشنهادها حاکی از نیاز به تضمین تعادلی بین یکپارچگی در دنیای کار و یکپارچگی ملی است که تأکیدش بیشتر بر مورد دوم است. هدف این پیشنهادها، تقویت خصوصیت یکپارچگی تأمین اجتماعی و ترغیب ظهور نظام جدید آن است که به خوبی با فن‌آوری جدید و با بافت اجتماعی / اقتصادی کنونی سازگاری

پیدا کرده است می‌باشد.

زمان آن فرا رسیده که از اصل تفاوت که جان رالز Gohn Rowls آن را مورد بررسی قرار داده بهره گیریم، به موجب این اصل نابرابری‌های اجتماعی تنها تا زمانی قابل توجیه‌اند که در جهت بهبود معیار زندگی افرادی که دارای کمترین امتیاز می‌باشند قدم بردارند. رفاه عمومی را نمی‌توان به جمع‌آوری محض ثروت مادی خلاصه کرد. نیز نمی‌توان آن را با محرومیت رو به رشد اجتماعی پروراند.

پانویسها:

۱. برای ارائه و بحث در مورد این نقد ر.ک (ILO) سازمان بین‌المللی کار: تأمین بودجه تأمین اجتماعی: اختیارات، تجزیه و تحلیل بین‌المللی، ژنو، ۱۹۸۳. و آاوزی A.Euseby کاهش با بهینه‌سازی سهام حق بیمه تأمین اجتماعی در جهت افزایش اشتغال؟ در گزارش بین‌المللی کار، شماره ۲، ۱۹۹۵، صفحات ۲۴۱-۲۲۷.
۲. در این مورد ر.ک. (مسالیات بندی، اشتغال و محیط: اصلاح مالی برای کاهش بیکاری) در مجله اقتصاد اروپا شماره ۵۶ سال ۱۹۹۴ صفحات ۱۹۰-۱۴۹.
۳. برای معرفی آثار مختلف در این باب ر.ک R.Plotnick, R.Havemann S.Donzigr «چگونه برنامه‌های انتقال درآمد، بر کار، پس‌انداز و توزیع درآمد تأثیرگذار است؟»، در مجله آثار اقتصادی، سپتامبر سال ۱۹۸۱ صفحات ۱۰۲۸-۹۷۵ و N.Barr «نظریه اقتصادی کشور

رفاه» زمینه‌یابی و اجرا»، در مجله آثار اقتصادی ۱۹۹۲، صفحات ۸۰۵-۷۴۱.

۴. ر.ک. W.S.Cartwright «پس‌انداز، تأمین اجتماعی و حقوق بازنشستگی خصوصی»، در گزارش بین‌المللی تأمین اجتماعی شماره ۲، ۱۹۸۴، صفحات ۱۲۳-۱۳۸. A.B. Atkinson «حفظ درآمد و بیمه اجتماعی»، در A:Auerboch, eds) M.Feldstein, کتاب راهنمای اقتصاد عمومی، آمستردام، شمال هلند، ۱۹۸۷، جلد ۲ فصل ۱۳.

۵. به ویژه ر.ک. W.McGillivray, R.Beattie یک راهبرد خطرناک: بازتاب‌هایی در ارتباط با گزارش بانک جهانی، جلوگیری از بحران دوران گهولت در گزارش بین‌المللی تأمین اجتماعی. شماره ۳ و ۴، ۱۹۹۵ صفحات ۵۰۲۲ و «پاسخ دندان‌تکن» در گزارش بین‌المللی تأمین اجتماعی شماره ۳، ۱۹۹۶ صفحات ۱۷-۲۰، و A.Singh «اصلاح بازنشستگی، بازار بورس، ایجاد سرمایه و رشد اقتصادی: تفسیر انتقادی پیشنهادات بانک جهانی» در گزارش بین‌المللی تأمین اجتماعی شماره ۳، ۱۹۹۶، صفحات ۲۱-۴۳.

مأخذ: نشریه اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی شماره ۵۱ ۱۹۹۸/۲

فرم اشتراک ماهنامه کار و جامعه

اینجانب:

نام..... نام خانوادگی..... سن.....
 حرفه..... نام محل کار (در صورت لزوم).....
 نشانی.....
 کد پستی..... صندوق پستی..... تلفن.....
 فیش بانکی شماره..... به مبلغ..... ریال را بابت حق اشتراک یکسال
 مجله کار و جامعه ارسال می‌دارد.
 توضیح:

۱ - حق اشتراک را به حساب شماره ۹۰۱۲۳ نزد بانک ملی شعبه محمودیه (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی) به نام مؤسسه کار و تأمین اجتماعی واریز نموده و اصل فیش را همراه با فرم تکمیل شده به نشانی: تهران - خیابان ولی عصر - پایین تر از چهار راه شهید چمران - کد پستی ۱۹۶۹۶ - دفتر مجله ارسال نمایند. (کپی فیش را تا دریافت اولین شماره نزد خود نگاه دارید).

۲ - حق اشتراک سالانه با پست هادی برای ده شماره ۲۵۰۰۰ ریال است.

۳ - ارسال چک از طریق پست مالی به دفتر مجله بلامانع است ولی از فرستادن وجه نقد خودداری فرمائید.

۴ - لطفاً در صورت تغییر نشانی، سریعاً به دفتر مجله اطلاع دهید.